

یادداشت سردبیر

امروزه با گسترش کاربردهای «هوش مصنوعی» بمثابه ابزاری هوشمند و رقابت بر سر تولید نسخه‌های پیشرفته‌تر، تقریباً هیچ عرصه‌یی از عرصه‌های زیست انسانی از تأثیرات این پدیده دور نمانده و بموازات تحول جنبه‌های فناورانه آن، تأملات و گفتگوهای وسیع پیرامون چگونگی تحول در مناسبات انسانی-اجتماعی نیز شکل گرفته است. تأثیرات این پدیده در قلمروهای ارتباطات و تسهیلات ناشی از آن، اقتصاد و تجارت و بازرگانی منطقه‌یی و بین‌المللی و بویژه بازار کار و سرمایه، گردش اطلاعات و داده‌ها و تبادل تجربیات علمی و فنی، گوشه‌یی از دامنه این تأثیرات را دربرمیگیرد. اما در اینجا و بمناسبت قلمرو تخصصی این نشریه، به ذکر چند ملاحظه در سه قلمرو آموزشی، پژوهشی و اخلاقی آن میپردازیم.

الف) تأثیرات این پدیده در قلمرو آموزش، فقط به جنبه‌های فنی محدود نشده و نخواهد شد. در آینده نزدیک نه‌تنها نظام و ساختار آموزش بمعنای حضور رو در روی معلّم و متعلّم- بلکه مؤلفه‌هایی مانند متن و سرفصل و رده‌بندی و سنجش و آزمون و مانند اینها نیز در معرض دگرگونی قرار خواهد گرفت.

ب) در قلمرو پژوهش، بموازات تغییر و تحول در امکان دسترسی به مدارک و منابع پژوهشی، فرایند پژوهش از آغاز تا انجام، نیز دگرگون خواهد شد. اگر زمانی مهمترین دغدغه پژوهشگر در واژه «جستجو» خلاصه میشد، از این پس دغدغه‌یی جدید به نام «انبوه داده‌ها» جایگزین آن خواهد شد و پژوهشگر باید تکلیف خود را

۳



DOR: 20.1001.1.20089589.1404.16.2.8.4

در برابر سیلی عظیم از داده‌های علمی مشخص کند. مهمتر از همه، میزان نقش و سهم پژوهشگر در خروجیهای پژوهشی باید مورد باز تعریف قرار گیرد.

ج) با دگرگونی در دو عرصه آموزش و پژوهش، دغدغه و گفتمان مهمتری شکل گرفته است که احتمالاً بتوان آن را ذیل «اخلاق هوش مصنوعی» تعریف کرده و مندرج ساخت. اگر زمانی از مالکیت معنوی آثار بعنوان عامل مهم حقوقی امتیازات مترتب بر آن سخن گفته میشد، امروزه با کم‌رنگ شدن مرزهای اختصاصی و پررنگ شدن اشتراک در داده‌ها، بسیاری از مفاهیم، ضوابط و قوانین مترتب بر آن نیز باید بازنگری و باز تعریف شود.

آنچه از ملاحظات فوق برمی‌آید، شکلگیری نوعی نگرانی ناشی از برهم خوردن نظم و نظامهای سنتی اجتماعی و فرهنگی است که میتوان از آن بمثابه «بحران» یاد کرد، که وجه بارز آن بیتردید خود را در عرصه فرهنگ آشکار میسازد. کم‌رنگ شدن ارزشهای بومی، بحاشیه رفتن زبانیهای غیر مسلط، هدایت و کنترل افکار و دیدگاهها بویژه با تزریق داده‌های نادرست، نمونه‌هایی از این بحران است. به این موارد، اموری مانند نقض حریم خصوصی، سوء استفاده از اطلاعات فردی و تأثیرگذارهای غیراخلاقی بر افکار عمومی را نیز باید افزود. ورود اصحاب اندیشه و بویژه فیلسوفان و اهالی حکمت به این عرصه و گشایش باب تأملات و گفتگوها برای تبیین موقعیتهای آتی بشر بویژه در مواجهه با وضعیت جدید، بیش از پیش ضروری بنظر میرسد.

سردبیر